نظام تربيت مدرسه‌اي (آموزش و پرورش) ايران و فرصت‌ها و تهديدهاي

فناوري اطلاعات و ارتباطات در دوران پساكرونا

محسن باهو[[1]](#footnote-1)\*

**چكيده**

توسعه روزافزون فناوری‌های نوین اطلاعات وارتباطات (فاوا) و گسترش خدمات آن در فضای مجازی تحولات عظیمی را در سطح نگرش، بینش وحتی شایستگی‌های افراد و سازمان‌ها به‌وجود آورده است و برحسب نوع مواجهه با انواع فاوا و زمینه استفاده از آنها نمی‌توان در این باره الگو یا پارادایم منحصر به‌فردی را تجویز کرد و یا الگوی موفقی در یک جامعه را برای دیگر جوامع نسخه‌ای اثربخش قلمداد کرد؛ زیرا میزان تأثیر و تأثر و نقش‌آفريني فاوا در هر کشور وابسته به عواملی نظیر توسعه منابع انساني، اجتماعي، فرهنگ و سنن، قوانین و مقررات، بهداشت و محيط زیست، شرایط اقتصادی و حتی نحوه بهبود و اصلاح فرایندها و سبک‌ها مدیریتی آن جامعه است. اما به‌هرحال، شکی نیست که تأثیر تحولات فاوا در نظام تربیت مدرسه‌ای (آموزش و پرورش) بسیار گسترده است و عدم مدیریت خردمندانه و بهره‌مندی هوشمندانه از فاوا، چالشی بزرگ برای این نهاد اجتماعی بسیار موثر محسوب می‌شود.

ازاین‌رو در طرح تحول بنیادین نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران و مبانی نظری آن، به‌جای آنکه به انواع رسانه‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی (با توجه به وضع عملکرد فعلی آنها در عموم جوامع معاصر) به‌صورت عاملی خطرآفرین و تهدیدی مشکل‌ساز برای فرایند تربیت نگریسته شود، براین نکته تأکید شده که «در شرایط پیش روی جوامع بشری، به‌جای برخوردی منفعلانه و یا منفی با این عامل مهم فرهنگی و اجتماعی می‌توانیم با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مناسب، از توانمندی‌های انواع این گونه رسانه‌های نوین دست‌کم در سطوح ملی و محلی به مثابه عاملی سهیم در فرایند تربیت برای جبران محدودیت‌های تربیت رسمی و نیز کمک به انواع تربیت غیررسمی بهره‌مند شویم. این عامل به شدت تأثیرگذار فرهنگی در این صورت می‌تواند نقش اساسی را در پشتیبانی از فرایند تربیت در جامعه معاصر برعهده گیرد و لذا در نگرش اسلامی می‌توان و باید از آن به‌عنوان یکی از ارکان تربیت در جامعه اسلامی یادکرد» (مبانی نظری تحول ص180-181) همچنین با عنایت به همین جایگاه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زیرنظام تأمین فضا تجهیزات و فنّاوری، تولید و تأمین فنّاوری اطلاعات و ارتباطات متناسب با اهداف ساحت‌های شش‌گانه تربیت در زیرنظام برنامه درسی، البته با توجه به نه اصل بسیار مهمی است که برای استفاده از فاوا در نظام تربیت مدرسه‌ای تعیین شده‌اند.

برهمین اساس در فصل هفتم سند تحول، یکی از 23 هدف عملیاتی ایجاد تحول بنیادین عبارتست از **«ارتقای کیفیت فرایند تعلیم و تربیت با تکیه بر استفاده هوشمندانه از فنّاوری‌های نوین»** (هدف عملیاتی 17)؛ که برای تحقق آن چهار راهکار در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

**- «توسعه ضریب نفوذ شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (اینترانت) در مدارس با اولویت پرکردن شکاف دیجیتالی بین مناطق آموزشی و ایجاد سازوکار مناسب برای بهره‌برداری بهینه و هوشمندانه توسط مربیان و دانش آموزان».**

**- تولید و به کارگیری محتوای الکترونیکی متناسب با نیاز دانش‌آموزان و مدارس با مشارکت بخش دولتی و غیردولتی و الکترونیکی کردن محتوای کتاب‌های درسی براساس برنامه درسی ملی.**

**- اصلاح و به روزآوری روش‌های تعلیم و تربیت با تأکید بر روش‌های فعال گروهی خلاق با توجه به نقش الگویی معلمان.**

**- گسترش بهره‌برداری از ظرفیت آموزش‌های غیرحضوری و مجازی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی ویژه معلمان دانش‌آموزان و... با رعایت اصول تربیتی.**

اما با وجود تلاش‌های فراوان بخش‌های مختلف نظام آموزش و پرورش کشور در این زمینه (مواردی نظیر شبکه ملی رشد، هوشمندسازی مدارس و....) باید اذعان نمود که بحث گسترش فاوا و تحقق راهکارهای سند تحول در این خصوص به علل و دلایل مختلف در نظام آموزش مدرسه‌ای کشور ما، چنانکه باید و شاید دنبال نشد.

لیکن انتشار ویروس کرونای جدید- که به‌مثابه سنگین‌ترین چالش جوامع معاصر بشری و به‌واسطه ناشناخته بودن آن و نفوذ سریع، سبب تعطیلی تمامی کسب‌وکارها و عموم نهادهای اجتماعی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها شد، باعث گردید تا خانواده‌ها افزون بر موضوعات روحی و روانی ناشی از مواجهه با بحث پیشگیری و درمان ویروس کرونا، نیازها و مطالبات جدیدی را از در خانه ماندن الزامی را احساس کنند و تعطیلی مدارس نیازهای تربیتی و پرورشی جدیدی را برای فرزندان ایجاد كرد که نشان داد تدابیر پیش‌بینی شده برای مواجهه نظام تربیت مدرسه‌ای با این شرایط در میدان عمل مناسب نبوده‌اند؛ یعنی تلاش حوزه ستادی برای ارائه خدمات گسترده آموزشی در رسانه ملی و تدابیر و اقدامات انجام شده در بستر فضای مجازی و مدیران مدارس، معلمان، برنامه‌های درسی (محتوا، رسانه و زمان یادگیری) از یک سو و برآیند عملکرد دانش‌آموزان و خانواده‌ها از سوی دیگر در عمل ثابت کرد که نظام تربیت مدرسه‌ای کشور ما برای مواجهه مناسب با رویداد کرونا توانایی لازم را ندارد و نیاز به آسیب‌شناسی دارد.

البته باید اذعان نمود که با توجه به شرایط اضطراری و لزوم فایق آمدن بر این بحران، عموم معلمان عزیز مدارس به‌واسطه احساس مسئولیت در این شرایط خاص باحداقل امکانات در اختیار و بربستر شبکه ملی اطلاعات و برخی پیام رسان‌ها کوشیدند تا با ایجاد گروه‌ها و کانال‌های خاص، کلاس‌های درس و تعامل آموزشی بین خود و دانش‌آموز را برقرار کرده و بخش اعظمی از دغدغه‌ها و نگرانی خانواده و دولت را کاهش دهند اما باید اعتراف کرد که بخش عمده‌ای از دانش‌آموزان و معلمان نیز از این امکان (به‌واسطه عدم پوشش کلی و محدودیت‌های زیرساختی و تجهیزاتی در سطح خانواده و در مناطق مختلف کشور) محروم شدند.

البته نهایتاً وزارت آموزش و پرورش با وجود چالش‌های متعدد، پس از ارایه آموزش بر بستر شبکه‌های صدا و سیما و همزمان با ترغیب معلمان به استفاده بیشتر از فضای مجازی، نسبت به ایجاد سامانه‌ای مستقل با مسئولیت و نظارت خود با عنوان شبکه «شاد» اقدام کرد. این طرح از منظر ایفای مسئولیت و مثبت اندیشی به موضوع دارای نکات خوب، مهم و قابل توجه می‌باشد؛ خصوصاً اینکه با عزم وزیر و حمایت همه جانبه حوزه ستادی برای تحقق همراه بوده است. پیام بزرگ این پروژه در صلابت مدیریتی و حمایت همه جانبه از مدیران و برنامه‌ها و پروژه‌های مترقی قبلی (نظیر شبکه ملی مدارس رشد) می‌توانست پشتوانه آرامش کشور در ارائه خدمات آموزش مجازی مناسب بر بستر فضای مجازی کشور باشد.

اما استفاده از فرصت‌های فنّاوری اطلاعات و ارتباطات به‌خصوص در فرایند تربیت و یاددهی یادگیری در شبکه شاد نیازمند توجهات ویژه و تعیین ابعاد محتوایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و قانونی و نیز آینده‌نگری تأثیر و تأثرات آن بر کارکردهای اصلی مدارس است؛ چنانچه وجود شرایط خاص کرونایی و نبود نظام حکمرانی و تنظیم‌گری در خصوص برخی از مصوبات کلان کشور در عرصه فاوا (همانند منع استفاده از موبایل در مدرسه، تأکید بر یادگیری صرف مجازی و مشکل خانواده محروم ...) نیازمند بررسی و اصلاح است.

اما مخاطره جدی در این شرایط، ساده‌انگاری مسائل اساسی و غالب شدن تفکر تقدم فنّاوری بر تربیت و آزادسازی آموزش مجازی دانش‌آموزان از تحت نظارت اهداف و اصول و ضوابط جریان تربیت رسمی مدرسه‌ای کشور است که می‌تواند چالش اساسی برای تربیت مدرسه‌ای در دوران پساکرونایی باشد؛ زیرا بهره‌مندی تنها از فضای مجازی فرصت هجمه‌ای به کارکرد تربیتی مدارس و طرح فرضیه مدرسه زدایی خواهد بود و چه بسا زمزمه باطل شکست نهایی برنامه درسی رسمی و آموزش حضوری را تقویت کند؛ همچنین عدم توجه و تمایز مدیریتی شبکه‌های یادگیری رسمی با شبکه‌های فنی زیرساختی و یا شبکه اجتماعی مخاطره‌ای بزرگ خواهد بود.

**چه باید کرد؟**

ایده راهبردی پیشنهادی این بحث استفاده تلفیقی فنّاوری در یاددهی و یادگیری با رویکرد یادگیری ترکیبی (Blanded Learning) و فرایندهای سازمانی سازمان یادگیرنده و هوشمند است که اقدام و عمل اجرا شده همانند آموزش معلمان، جشنواره‌های تولید محتوای الکترونیکی، طرح اتصال مدارس، مدارس هوشمند، تولید و توسعه محتوا و نرم‌افزارهای آموزشی و تربیتی، شبکه رشد و. از شناخت مناسب و ترسیم مدیریتی پاسخ گو در مواجهه با چالش‌های این‌گونه بوده، اما عدم صبوری و سعه صدر مدیریتی کلان و یا عدم پیش‌بینی چالش و نگاه حداقلی و ابزاری به بهره‌مندی و یا مداخلات غیر اصولی و...، سبب عدم پایدارسازی و نهادینه نشدن اقدامات در مدرسه شده و تصمیمات غیر متناسب و تصدی گرانه برخورد کردن با موضوعات حاکمیتی تنزل جایگاه در نقش‌آفرینی سیاستی، ساختاری و برنامه‌ای در دستگاه را رقم زد.

براین اساس اهم برنامه و راهکارهایی که نظام تربیت مدرسه‌ای (آموزش و پرورش) کشور ما باید در شرایط جاری و آینده برای بهره‌مندی از فرصت‌های فنّاوری اطلاعات و ارتباطات با رویکرد تلفیق در فرآیندها و برنامه‌ها با الگوی ترکیبی داشته باشد بشرح زیر پیشنهاد می شود:

* **اهتمام به ایفای مسئولیت اجتماعی و رسالت تربیتی مدارس در برابر دانش‌آموز و معلم، مدرسه و خانواده.**
* **فراهم‌سازی استمرار فرایند تربیتی مدرسه با فراهم‌سازی شرایط یادگیری درهمه جا و همه زمان (همه جا حاضر).**
* **برقراری حکمرانی صحیح و سلامت توسعه خدمات فنّاورانه در نظام تربیت رسمی و تعاملات سازمانی.**
* **فراهم ساختن زیرساخت‌ها و چارچوب‌های تعامل سازنده بین معلمان و دانش‌آموزان در فضای مجازی ایمن و سلامت.**
* **تقویت انگیزه و ارتقای روحیه معلمان جهت انجام رسالت معلمی در برابر نظام تربیتی و دانش‌آموزان در هر شرایط.**
* **توسعه مدل‌های پردازشی روزآمد و پاسخ‌گو و مدل‌های یادگیری ترکیبی برخط و تعاملات سازمانی همه جا حاضر.**
* **غنابخشی اوقات دانش‌آموزان با محتوای و خدمات مبتنی بر برنامه‌های تربیتی و درسی و برنامه تحصیلی هفتگی.**
* **آرامش بخشی و بالابردن روحیه فایق آمدن بر شرایط و تقویت امید به بهبود شرایط در کشور برای مواجهه با شرایط خاص و بحرانی.**
* **ایجاد نهضت ملی تولید محتوا برای تقویت یادگیری متناسب با برنامه‌های درسی و تربیتی.**
* **ارزیابی اهداف چرخش‌های تحول‌آفرین و سیاست‌ها، راهبردها و راهکاری سند تحول برای اقدام عملی پاسخ‌گو در این شرایط.**
* **استفاده از موقعیت‌ها و رسانه‌های متنوع یادگیری در فرایند یادگیری رسمی با مشارکت‌پذیری حداکثری و همه ظرفیت ذی صلاح.**
* **توسعه همه جانبه شبکه یادگیری ملی رشد مدارس و تأمین بسته‌های متنوع یادگیری با الگوهای روزآمد.**
* **مراقبت در حذف تفکرات و اقدامات تضعیف‌کننده نظام تربیت مدرسه‌ای و استفاده‌های سودجویانه در شرایط خاص.**

1. \* مشاور معاون وزير و دكتري مديريت عالي كسب و كار (BDA) [↑](#footnote-ref-1)